

حدیث پیامبر (ص): *یسروا ولا تعسروا و بشروا ولا تنفروا*.
«متفق علیه»
[در دعوت مردم به تمسک به شرایع دنی] آسان بگیرید و سخت گیر نباشید و مژده دهید و مردم را [از دین خدا] متنفر و بیزار نکنید!

بهره برداری بیش از صد پروژه عام المنفعه، توسط برنامه همبستگی ملی در مروطات ولایت غور



این پروژه ها، شامل احداث سرکهای روستایی، ساختمان پلچکها، دیوارهای محافظی، اعمار ساختمان چشمه ها، کانالهای آبیاری، سرپند های آبگردان، شبکه های آبیاری و آبرسانی، ترناب ها، ذخایر آب زراعتی، حفاری چاه های نیمه عمیق، اعمارمیرزاها و اعمار ساختمان برق های آبی کوچک می باشد که اخیراً در ولسوالی های تولک، ساغر، دولینه، چهارسده و دولتیار تکمیل و مورد استفاده مردم قرار گرفت.

به گفته انجنیر تاج محمد زلال رئیس احیاء و انکشاف دهات، پروژه های یادشده به هزینه (۱۴۵۴۰۲۰) یکصد و چهل پنج میلیون چهارصد و دوهزار افغانی از بودجه برنامه همبستگی ملی تمویل گردیده که (۱۲۴) پروژه مختلف النوع به پایه اكمال رسید که در انکشاف و رشد روستاها و سطح ارتقای اقتصادی مردم موثر و مفید بوده است که از مزایای این پروژه ها (۱۶۱۰۸) فامیل مستفید گردیده اند. گل زمان نایب مسوول برنامه همبستگی ملی در ولایت غور می افزاید: از آغازین روزهای کاری برنامه همبستگی ملی در ولایت غور تا اکنون (۳۰۵۰) پروژه عام المنفعه که شامل سکتورهای ترانسپورت، آبرسانی، آبیاری، برق، معیشت و توسعه روستاها تطبیق شده که مجموعاً به ارزش (۲۲۶۷۷۳۲۸۲۴) دومیلیارد دوصد شصت هفت میلیون هفت صدوسی دوهزار هشت صدوست چهار افغانی هزینه برداشته که در شگوفای دوستاها نقش ارزنده داشته است.

فراغت ۵ تن از استادان تربیه معلم به سویه ماستری



به تعداد ۵ تن از استادان موسسه عالی تربیه معلم غور، مدرک کارشناسی ارشد (ماستری) خود را از رشته ی آموزش و پرورش (M.E.D)، در بخش های علوم اجتماعی و علوم ساینسی از دانشگاه امریکایی افغانستان به دست آوردند. اسامی استادان قرار ذیل است:

- ۱- استاد نبی ساقی
- ۲- استاد عبدالغنی جامع
- ۳- استاد غلام ربانی دهباز
- ۴- استاد عبدالستار سروش
- ۵- استاد راحله رحمانزاده

رهبری نشریه طلوع فیروزکوه این دست آورد بزرگ را مایه افتخار دانسته و فراغت شان را اولاً به خود و اعضای فامیل شان و ثانیاً به جامعه علمی و فرهنگی ولایت غور تهنیت باد می گوید و امید می رود با وجود این کادر های علمی و سرمایه های معنوی، تحول مثبت علمی و فرهنگی در این ولایت رونما گردد.

سرمقاله

جامعه ی انسانی متشکل از افراد می باشد که دارایی حس تعلق به همنوع خود، محیط و اشیای پیرامون خود دارد. افراد برای بقا و استمرار حیات، نیاز به نظم و مدیریت امور دارند. این موارد از سطح کوچک آن، خانواده شروع و الی دفتر و محل کار، جامعه، دولت و سطح عالی و جهانی آن ارتباط می گیرد.

دولت ها عموماً قدرت را از مردم گرفته و دوباره از طریق عرضه خدمات و سهولت های زندگی برای افراد، آن را به نمایش می گزارند. دولت از نظر داخلی، مسوول نگهدار نظم داخلی و از نگاه خارجی پاسدار تمامیت ارضی و منافع ملت و یکا یک شهروندان خویش می باشد.

همانگونه که دولت مسوول تنظیم و ارایه ی یک سلسله وظایف و مکلفیت ها در قبال ملت و شهروندان اش است، هر شهروند نیز مکلف به داشتن مسوولیت و ویژگی های مانند حس مسوولیت پذیری، قانون گرایی، بردباری، درک و فهم سیاسی و اجتماعی، مشارکت سیاسی و اجتماعی، صلح جویی، وفاق و همدلی، مهارت زندگی و تنوع پذیری می باشند که نخست از آن ها آگاهی داشته و انجام دهد. به صورت عموم، تمام مسوولیت های یک شهروند خوب در یک چوکات اساسی تربیت شهروندی که همانا (آگاهی شهروندی، مهارت های شهروندی و منش و فضیلت شهروندی) خلاصه می گردد.

تمام افراد به حیث شهروندان یک جامعه، باید از تمام قوانین و مقررات اجتماعی، حقوق شخصی، عقاید و دیدگاه های احزاب سیاسی عمده کشور، از ضرورت و اهمیت حکومت، از مکاتب عقیدتی و ایدئولوژی جامعه، از عوامل آسیب رسان محیط زیست، از تنوع اقوام، زبان ها و ملیت های کشور آگاهی کامل حاصل نموده و شناخت درست به دست آورند. بعداً توانایی فهم، درک، مقایسه و ارزیابی اصول و اعمال حکومت را را کسب نماید تا بتواند مهارت تصمیم گیری منطقی و عادلانه، تفکر انتقادی، توانایی درک متقابل، مسوولیت پذیری، احترام به حقوق دیگران، توانایی نقد و ارزیابی پذیرش تنوع و تکثر در جامعه و احترام به آن ها و مشارکت با گروه ها و توده های اجتماعی را کسب نمایند تا به حیث شهروندان توانا، مستقل و اعضای مفید جامعه واقع گردند.

داشتن روحیه ی وطن دوستی، قانون مداری، داشتن روحیه بردباری و تحمل، احترام به ارزش ها و کرامت انسانی، هویت ملی و مذهبی، علاقه مندی به خدمات عامه و داوطلبانه، توجه به محیط زیست و پاک نگهداشتن شهر و ماحول از مهم ترین ویژگی های داشتن منش و فضیلت شهروندی است. در منش و فضیلت شهروندی، هر فرد جامعه با استفاده از آگاهی و مهارت های کسب شده خویش، به حیث عضو فعال در انجام مسوولیت های محوله خود در قبال دولت و جامعه عمل کرده و مشارکت مفید نماید.

بناء لازم است تا همه ی ما به عنوان شهروندان این کشور، از مسوولیت های اساسی خود در برابر خانواده، جامعه، دولت و حکومت خویش باخبر شده تا به حیث انسان های آگاه، توانا و فعال در پیشرفت و شگوفایی کشور و جامعه ی خود سهیم باشیم.

در برگ های این شماره

وقت را غنیمت شمارید!



عبدالوارث "غرجستانی" برگ ۲

دره دل یک جوان



حبیب الرحمن "وحدت" برگ ۲

ای انسان!



نظر محمد "ازهر" برگ ۲

اهمیت صلح در جوامع بشری



روض الدین «نایل» برگ ۳

نقش جوان در رفاه جامعه



محمد صدیق "صدیقی" برگ ۳

وقت را غنیمت شمارید!

هر چیز در دنیا قابل جبران است، غیر از وقت که چون یکبار از دست رفت دوباره به دست نمی آید. جوانان عموماً تصور میکنند عمر شان تا دامن ابدیت گسترده است و برای همین قدر وقت را نمی دانند وقتی بخود میایند که پیری چهره خود را نشان میدهد و یا ناگهان عمر شان قطع میگردد. نویسنده، انتوان چخوف کسی بود که قدر وقت را میدانست با اینکه کمتر از پنجاه سال عمر کرده هزار داستان کوتاه و چندین کتاب از خود به یادگار گذاشت یک روز خیلی بی اهمیت به نظر میرسد؛ وحال آنکه یک روز از لحاظ کیفیت با یک سال بلکه با ابدیت برابر است. گویا اینکه از حیث کمیت ادا قابل مقایسه نیست زیرا یک ساعت قرار دارد همچنانکه ارقام بزرگ از اعداد کوچک سرچشمه میگردند. دانشمندی مینویسد: در ما زارعی هستم که هرروز که میگذرد بیشتر از روز گذشته کشتزارهای مرگ خود را شخم زده ایم. عرب میگوید: الوقت کالسيف /الم قطعہ، قطعک. یعنی وقت چون شمشیر است که اگر قطعش نکردی، قطعه قطعه ات میکند. ایا حیف نیست در چنین دنیای که سرمایه عمر ما را وقت تشکیل میدهد، بگذاریم ساعات عمر بیهوده تلف شود و بصورت آبی درآید که در بیابان سوزان و لم یزرعی رها شده باشد، در حالیکه میدانید که چنین عملی درست نیست.

درسایه ی وقت می توان یافت

گر وقت رود زدست انسان **با هیچ گهر خرید نتوان** "ایرج میرزا"
 حساب ساعات عمر خود را نگاه کنید، بدین معنی که جلوی ساعتی که در زندگی خود تلف، می کنید یک علامت منفی بگذارید و جلوی ساعتی که غافلانه استفاده نموده اید، یک علامت مثبت بگذارید. ساعاتی که صرف بوجود آوردن چیزی می کنید مثلاً قسمت از خانه را تعمیر میکنید و یا کتاب مفیدی می خوانید و یا به کسی کمک می نماید، از جمله ساعت های هست که در زندگی از آن استفاده نموده اید. آن اوقات را که تلف نموده اید ساعتی هست که در آن هیچ کار مفید انجام نداده اید مثلاً هنگامیکه وقت را به بی کاری و بیهودگی گذرانده اید. برای اینکه بتوانیم از فرصت ها درست استفاده نماییم باید فکر خلاق و مبتکر داشته باشیم و بتوانیم زمان خود را مدیریت نماییم. علاوه بر تقویت افکار، باید توهمات و تصورات پوچ که درباره لیاقت پنداری خود داریم از میان برداریم و خود را باروش تجربه و تحلیل آن چنان

که هستیم تماشا کنیم و با جدیت تمام سعی نمایم نواقص را برطرف نمائیم زیرا موفقیت در قدم اول، موفقیت درقدم آخر است. پیروزی درونی خواه ناخواه منجر به پیروزی واقعی میگردد. در اینجا هم مثل همه جا معلول از علت تابعیت میکند. اگر کسی ساعت ما را بدزدد بر او خشم میگیریم ولی اگر همان شخص ساعتی از عمر ما را تلف کند، نه تنها بر او خشم نمیگیریم؛ بلکه خوشنود هم میشویم جام عمر را به دست ماداده اند تا آنرا مطابق میل خود پرکنیم، اختیار در دست ماست ما میتوانیم جام عمر خود را از زهر لبریزکنیم و همچنین قادریم گوارا ترین شربتها را در درونش بریزیم. اگر اوقات خود را به بطالت و شرارت بگذرانیم، جام عمر ما از زهر لبریز میشود ولی اگر حیات خود را با کردار و پندار و گفتار نیک آرایش بدهیم جام عمر ما از شربت گوارا پر میگردد. پس همانطوری که زنبور عسل از عمر خود فقط از عصیر گل‌های خوشبو و سود مند استفاده می کند و هرگز روی گل‌ها زهر آگین نمی شیند. ما هم باید فقط با نیکان آمیزش کنیم تا اوقات ما غافلانه صرف نشود و جام عمر ما ازشهد ناب لبریز گردد.

باید همیشه به یاد داشته باشیم که بهترین دوران عمر برای کسب فضایل اخلاقی دوران جوانی است هرگاه دوران جوانی را به بوالهوسی بگذرانیم و تخم نیکی در سرزمین وجود خود نیفشانیم، دیگر هرگز قادر نخواهیم شد به ترمیم آن به پردازیم. به گفته یک دانشمند، اگر زندگی به یک شب و یا دمی می ماند ما باید چراغ خود را بدست خود بیفروزیم و زندگی خویش را روشن کنیم. حالا چه طور می توان زنده گی را روشن کرد؟ قبل از همه باید هرسال و یا لا اقل هر ماه بودجه ای برای صرف اوقات خود به طرز صحیح فراهم آوریم. به عبارت دیگر باید روشی و یا تقسیم اوقات برای طرز استفاده از فرصت ها را طرح نماییم. به این طریق قادر خواهیم شد که از تلف شدن وقت خود داری کرده و با انجام کارهای اخلاقی و ثمربخش پردازیم. ناپلیون کبیر که کامیاب ترین فرد عصر خود بود برای انجام هر کاری وقتی تعیین کرده بود فقط با تقسیم اوقات و تهیه بودجه ای عاقلانه برای آن توانست در مدتی بس کوتاه با اعمال بزرگ و شگفت انگیز دست یازد و دنیایی را با اعمال خود در حیرت اندازد.

عبدالوارث غرچستانی

نقش رسانه ها در تربیت نو جوانان



امروز دیگر برای همه دست اندر کاران رسانه ها این امر ثابت شده که رسانه های جمعی

رسانه ها، تعلیم دهنده گان اند که ادعای معلمی ندارند. رادیو دیگر از مخاطبان خود انتظار ندارد که دو زانو مودب در مقابلش زانو زده وبه او گوش فرا دهند تا مطلبی را از چهار سمت جهان فرا گیرند، بلکه در تمام شبانه روز ودر هر مکان و برای همه اقشار بخصوص جوانان ونو جوانان مطالب بسیار مفید و جالب و جذاب را ارایه میدهد.

تلویزون این جعبه جادوی قرن بیست و یکم از جهت جذابیت های ظاهری وسرگرم کردن تماشاچیان،گویی سبقت را از دیگر رسانه ها ربوده است، به حدی کمتر بیننده از میان برنامه های تلویزون انتخاب میکنند،بلکه این تلویزیون است که برنامه های جذاب خودرا بر بیننده گان تحمیل می نماید. جمع شدن عناصر سمعی وبصری و حرکتی در تلویزیون جذابیت رویداد ها را دو چند کرده است و خود انگیزه نیرو مندی است تا کودکان ونو جوانان وقت زیادی را صرف نشستن در پای آن کنند.

البته نه برنامه های انحرافی مانند سریال های بی سرو پا.روز نامه ها،مجلات، وحتىی کتاب ها،با چاپ مطالب متنوع ورنگ آمیزی های جذاب و داستان های شگفت انگیز مخاطبین را بخود مجذوب میکنند. رسانه ها در بسیاری از مواقع بر پدر ها،مادرها، معلم و مکتب در تربیت نوجوانان پیشی میگیرند.مطابق ارقام انترنیتی حدود ۱۰ فیصد از شبکه های انترنیتی وتلوویزون متعلق به مراکز فساد اخلاقی ودر حدود ۹۰ فیصد دیگری از آنها مربوط به دایرت المعارف،علمی، اخلاقی و تربیتی می باشند. بناء از تمام گرداننده های رسانه های صوتی و تصویری و چاپی دیار فیروزکوه توقع میروود تا از مسوولیت اصلی و اساسی خود آگاه بوده و در پهلوی خبر رسانی های دقیق و به موقع خویش، جنبه ی تعلیمی و تربیتی را نیز در نظر بگیرند تا جامعه ی ما از مسایل مهم حیاتی آگاه گردند.

عبدالروف سائیس

دردِ دل یک جوان

حبیب الرحمن وحدت

همشهریان محترم و متدین و لایت غور! قسمیکه برای همه شما هویداست، آبادی وسربلندی یک جامعه وابسته به نیروی جوان آن جامعه است وهمین جوانان هستند که خلاقیت به وجود میاورند و افتخار می آفرینند. امروز در اکثر بحث ها در حالیکه محوری آن را نیروی جوان و استفاده از افکار جوانان مییابد؛ ولی در عمل کمتر توجه صورت میگیرد. جای تاسف است! درد من به عنوان یک جوان این است که چرا نیرو و افکار جوانان که سر شار از احساسات اسلامی و میهن دوستی که همانا خدمت به جامعه است، به انزوا کشیده شده و قربانی منافع اشخاص بی تجربه میشود. جوان که تمام توان خود را در راستای تعلیم سپری کرده و صادقانه خواهان خدمت بر جامعه است، چرا نادیده گرفته میشود؟ و این بزرگترین جفا و ضربه بر پیکر و روح و روان جوانان خواهد بود. عدم توجه بر افکار جوانان و نادیده گرفتن نیروی فکری این طبقه، باعث شده که جامعه به انحراف کشیده شود و پدیده های ویران گر و مخرب، همانند فساد در ادارات، بی نظمی در جامعه و رشوه ستانی در داخل نظام دولت به وجود آید. من این پدیده های مهلک را که اکثر جوامع از آن رنج میبرند به عنوان امراض کشنده معرفی کرده و دواى برای نابودی این امراض را بکار گرفتن نیرو و افکار مثبت و مطابق با رهنمود های اسلامی جوانان میدانم، امروز اگر به کشورهای پیشرفته و مترقی جهان نظر اندازی کنیم، می بینیم که جامعه شان مرفع، امن و زندگی شان آرام است. همه نتیجه استفاده ازافکار جوانان و نیروی فکری و جسمی جوانان شان میباشد که بزرگان شان بدون تعصب نژادی، لسانی، قومی و سمتی به افکار جوانان شان ارج گذاشتند و در نتیجه به رفاه همه گانی دست یافتند و همچنان اگر به کشورهای عقب مانده در عرصه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و نظامی شان چشم اندازی کنیم، خواهیم دید که مشکل شان در نظر نگرفتن افکاری جوانان شان بوده که سرانجام سبب فقر، بی ثباتی، و ناکامی دولت داری آن ها گردیده است. در اخیر از عموم بزرگان خود خواهان حمایت و پشتیبانی شان از نیروی جوان هستیم. بزرگان محترم خود میدانید که استعداد کشى بی نهایت یک موضوع خطر ناک و نا امید کننده است که حتى جامعه را به انحراف کشیده و یک حالت ذلت بار را حاکم میگرداند. برای ثبوت این مدعا اوضاع کنونی افغانستان و به خصوص ولایت غور خود را میتوانم مثال بزنم که عموم مردم از این راستا رنج میبرند، امید وار هستم که بزرگان مان بر این موضوع ارج گذاشته توجه خود را در این رابطه مبذول بدارند و از جوانان عزیز هم امیدوارم جایگاه خود را به خوبی درک نموده و با توانایی های جسمی و فکری خود مهیاء سازند تا بتوانند برای رفاه و شگوفایی کشور خود سهم فعال و مثبت داشته باشند.

ای انسان!

نظر محمد ازهر

ای انسانها قبر را بسیار یاد کنید که آخر خانه شما است. کفن را زیاد یاد نمائید که آخرین جامه شماست. لذت زنده گی کردن باهمه افراد وقامل بامرگ برابر نیست لذت همه لباسهای نیکورا کفن ازبین میبرد لذت همه سواریها باتابوت از میان میروود پس ای انسان بیچاره ازخواب غفلت بیدار شو تاچشم بازکنی خودرا درگور خواهی دید.

ناگاه بود گزین جهانت ببرند **از حلقه جمع دوستانت ببرد**
غافل منشین زمان زمانت ببرند **گرتونروی کشان کشانت ببرند**


قانون این نیست که توهمیشه به تشیع جنازه دیگران اشتراک ورزی، روزی خواهد رسید که دیگران به تشیع جنازه توحاضر شوند. یاد کن روزی که به دنبال جنازه ات صلوات بفرستند یاد کن روزی که بوستان را بگذاری وبه تاریکی قبر گذاشته شوی ، یادکن روزی را که تورا به خاک بیره بسپارند ،یادکن روزی را که فریاد مصیبت از خانواده تو برآید.

روزی بود که آه برآید ز کوی ما **گیرد غبارخاک لحد گرد روی ما**
از مرگ ما چومدت سه روز بگذرد **در هیچ کوی کس نکند جستجوی ما**

حضرت عثمان (رض) هنگامی که برسرگوری می رفت چنان گریه میکرد که محاسن مبارکش خیس میشد ، سوال کردند ای امیر المومین شما قیامت را یاد میکنید چنان گریه نمیکنید ولی گور را می بینی چنین گریه می نمائی؟ فرمود: قیامت همه خلائق جمع اند هیچ جای سخت تر وحشتناک تر از قبر نیست که اینجا جایگاه تنهایی است.

پس ای انسان! همیشه به یاد خدا باش و برای حاضر شدن در نزد آن ذات باری تعالی در صحرای قیامت، توشه و دستاوردی را آماده کن تا را شرم سار نشوید!

نقش جوانان در رفاه جامعه

محمدصدیق صدیقی 

جوانان نخستین نیروی ایمانی هستند که پرچم دعوت بسوی خداوند ج و جهاد در راه او را بر افراشتند و خداوند پیروزی بزرگی را نصیب ایشان نمود. از صدر اسلام تاکنون جوانان بودند که با داشتن نیروی فیزیکی و دماغی تحولات بزرگی را درجوامع بشری بوجود آوردند. با ایثار و فداکاری جان های شیرین خویش حکومت نو بنیاد اسلام را اساس گذاشتند. شعار شان الله اکبر، راه شان جهاد و آخرین آرزوی شان شهادت در راه خدا بود. آنها طوری عمل کردند که الگوی همه متفکرین و اندیشمندان جهان قرارگرفتند و نام های ایشان با خط زرین در صدر اوراق تاریخ ثبت گردیده است و تا آخرین روز نظام این گیتی دوام خواهد داشت. جوانان امروز اگر خواهان پیروزی دین و سر بلندی امت و اتحاد همه جانبه مسلمین جهان هستند، باید راه آنها را تعقیب نمایند. جوانان زمانی میتوانند نقش و مسوولیت های خویش را به وجه احسن انجام دهند که شخصیت شان چه از نظر علمی، فرهنگی و دعوت گری و چه از نظر مزایای اخلاقی و اجتماعی مانند خورشید بدرخشند. زندگی خود را با متصل و تمسک به دین شگوف سازند و در رفاه جامعه خویش تلاش بی دریغ نمایند. طوریکه به شما معلوم است بقای ملت ها و موجودیت آنها وابستگی به فرهنگ اصیل اسلامی آنها ریشه دارد و اگر مزایای اخلاقی از آنها رخت بر بست جوامع و ملل مختلف ایشان را آهسته آهسته محو ونابود خواهد ساخت.

بزرگ ترین مبارزه غربیان در عصر حاضر، محو و نابودی فرهنگ اسلامی است. دشمنان قسم خورده ی اسلام می خواهند مزایای اخلاقی ما را به نام عقب گرایی، افراط گرایی، افکار ارتجاعی و به دور ازدموکراسی غربی وتمدن نوین و باصدها اسمای مرموز و فریب دهنده ی دیگر از بین ببرند و رویش بی دینی خود را به عنوان های مختلف در جوامع اسلامی ترویج سازند که عبارت است از دموکراسی غربی، آزادی بیان، حقوق زنان و آزادی بدون قید و شرط آنها وغیره که بد اخلاقی، فحشا، رذایل و بی بندو باری را جاگزین فرهنگ اسلامی کنند. متأسفانه مطالعه اوضاع کنونی جامعه و واقعیت های عینی بیان گری آنست که این محاربه وتکنیک جنگی آنها تا اندازه ی کارگر و موثر افتاده است که و بد اخلاقی در جامعه به اوج خود رسیده است. پس این اساس فرد فرد این کشور و خصوصا جوانان مسولیت دارند که علیه این ناپسامانی هامبارزه نمایند. یکی از وجیبه های دینی، اسلامی، ایمانی، هر مسلمان این سر زمین است که به خاطر مبارزه علیه فساد تا پای جان برزند. ما زمانی میتوانیم بر جامعه خویش اصلاحات را به میان آوریم که آنچه را که از گذشته گان خود به میراث برده ایم


با امانت داری، صداقت و راستی به نسل های آینده خویش انتقال دهیم و نسل جوان باید آمادگی داشته باشد تا این امانت بزرگ را بدوش گرفته در زمان خود و به دیگران نیز انتقال دهد. اگر به اصل و ماهیت وجودی جوان توجه و تعمق، تحلیل و تجزیه و تفحص نمایم، بدون شک به این نتیجه خواهیم رسید کلمه جوان خود مفهومیست حاوی شور، هیجان، اشتیاق، مستی، طراوت، شادابی، حوصله، انرژی، اندیشهٔ باز، تفکر آزاد، دید وسیع وغیره می باشد. بدون شک به این دسته جملات و کلمات با هر شیوه ساختاری و گفتاری که برای تعریف و تمجید جوانان به کار بسته شود، سازنده و براننده ی آنهاست. بنا براین هیچ گرایش و جلوهٔ نمیتواند نقش جوانان را با این ویژه گی ها و خصوصیات نا دیده بگیرد. بدون شک استعداد و توانایی های زیادی در نهاد جوانان نهفته است به کار انداختن این استعداد ها باعث شگوفایی، ترقی و پیشرفت جامعه میگردد. سهم دهی جوانان در تمام شئون زندگی کمک و رهنمای آنها برای توانمند شدن مفهوم جوان و جوانی کمک میکند. در طول تاریخ تحول و دگرگونی در جوامع بشری که بوجود آمده همه از اثر سعی و تلاش جوانان است.

جواهر لعل نهرو میگوید: جوانان مانند آب اند. اگر حرکت کنند انقلاب بر پا میکنند و اگر بایستند، گندیده میشوند. زمانیکه رسول اکرم(ص) به پیغمبری مبعوث گردید، به سن جوانی قرارداشتند و تا آخرین لحظات عمر خویش برای رسانیدن کلام حق کوشیدند و لحظه از وظیفه خود تغافل نکردند. هفتاد و دو تن از اصحاب کرام برای دفاع از دین و مقابله با مشرکین قریش در کوه احد جام شهادت را نوشیدند. همه جوانان مهاجرین و انصار بودند. دوازده صد تن ازقاریان قرآن کریم که درجنگ یمامه علیه منکرین زکات مبارزه کردند و به درجه اعلی شهادت نایل گردیدند، همه جوانان بودند. دین امروز برای ما و شمارسیده در نشر و پخش آن خون پاک هزاران تن از صحابه کرام، و طابعین ریختانده شده. این ایثار گران راه حق و آزادی، همه جوانان بودند که با زور و بازو و شمشیر خویش گردن طاغت و طاغوتیان راشکستند، سرزمین های که سالها در تاریکی جهل و نادانی فرو رفته بود با نور عالم تاب دین مقدس اسلام منور گردانیدند. امروز تقریبا ۶۵ درصد نفوس کشور را جوانان تشکیل می دهند. اگر این کتله ی عظیم بسیج شوند و در یک محور جمع گردند و یک هدف را دنبال کنند، افغانستان را به قله های رفیع سعادت نایل خواهند ساخت و اگر به این توده پر قدرت و عظیم که مجهز با نیروی جسمی و فکری است، توجه صورت نگیرد و به خواستها و اراده های شان گوش داده نشود، برای آینده افغانستان خطر آفرین خواهد بود. جوانان بایدب رای وحدت ملی همیشه کوشا باشند و تمام استخوان شکنی ها، کینه توزی ها و دوشمنی های گذشته گان را به باد فراموشی بسپارند و برای اعلا ی کلمهٔ الله و بالا نگهداشتن پرچم اسلام آبادی و شگوفایی وطن عزیز خویش افغانستان دست به دست هم دهند. همیشه به همکاری یکدیگر بشتابند و با تعهد، استقامت و پایداری و مردانگی کشتی نجات برای امت اسلام وکشور خود باشند.

اهمیت صلح در جوامع

بشری

صلح و امنیت در تمام شئونات و فرهنگ جامعه بشری نقش سا زنده و بسزای دارد . زنده گی بدون صلح و امنیت امکان پذیر نیست وجا معه بطور قطعی بدون صلح وامنیت به پیشرفت وترقی نایل شده نمیتواند. انسان از مبدا حیات و آغاز خلقت خویش به تا مین امنیت ومحیط سالم نیاز مند بوده است وبا سازش درست و معقول خویش به کسب علم ودانش پر داخسته است و ازهمان زمان به درک صلح وامنیت، طرز معیشت زند گی وشویه های تعلیمی وتربیتی اصول زندگی اجتماعی،اقتصادی و فرهنگی راپی ریزی نموده واساس کار عمل مفید برای خود و وطن خویش ساخته است. ضرورت به صلح وامنیت برای رفاه واصلاح جامعه از قانون پذیری وقانون مداری انسان بوده است. صلح و امنیت تعیین حقوق و آزادی انسان از اسارت ، ظلمت و بد بختی میباشد. وانسانها بدون صلح و امنیت به حقوق مادی و معنوی خویش رسیده نمی توانند. جامعه فقیر و عقب افتاده غور باستان ومردم زحمت کش، دیندار و وطن دوست آن از مدت چندین بدینسو که از نعمت صلح و امنیت و تعلیم و تربیه توسط جنگسا لاران وجنگ افروزان بدور مانده واز حقوق تعلیم و فرهنگ خویش محروم گردیده ه اند.

مکاتب و معارف ویران و نسل های این خطه باستان در جهل خرافات و اعتیاد بیسوادی قرار گرفته اند که بیش از ۸۰٪ از مردان و ۹۸٪ از زنان در تاریکی و مظالم بیسوادی حیات به سر میبرند. مکتب ، شفا خانه ،کلنیک صحی ، آب وبرق ،غذا و از بیشتری نعمت های زند گی محروم و در فقر و قحطی و در بیماری و اعتیاد حیات بسر میبرند سطح زند گی مردم به اثر جنگ های دوام دار به زیر صفر قرار دارد . فقر و نابرابری، نبود صلح و امنیت خدمات اجتماعی ، فرهنگی ، اقتصادی و مافیای قدرت در غور عامل عقب افتاد گی این مردم گردیده است و شرایط طاقت فرسا و دشوار زند گی را بوجود آورده و مظالم بیداد میکند . حقوق مردم ، اطفال و زنان زیر پای جنگ سالاران و جنگ افروزان میگردد . کشت و تولید مواد مخدر ، قاچاق، زور گویی و فسادی ادرای روز به روز در غور توسعه می یابد و امید چندان و تاملین صلح و امنیت در افق غور و حکومت و مسئولین آن نیست که زیر تایر جنگ سا لاران قرار گرفته اند.  **روض الدین نایل**

به طور قطع به دست آوردن اوتمبیلی که برای آن سخت زحمت کشیدید برای شما حس رضایتمندی و خوشنودی می آورد ، اما لذتی برای شما ندارد . در عوض بخشیدن چیزی به کسی که نیازمند است لذتی عمیق و پایدار خواهد داشت.

۵- خودتان و دیگران را شگفت زده کنید: کلمه ها بسیار جالب و شگفت آورند.گاهی کلمه ها می توانند چنان تغییری در ذهن یا رفتار افراد به وجود آورند که حتی تصور آن نیز غیر ممکن است. این کلمه های مثبت به همراه نیروی شگفت انگیز خود لذت و شادمانی را برای شما به ارمغان می آورند.


۶- گاهی خود را رها کنید: رها کردم باعث میشود که خوشنودی بیشتری به دست آورید. به خرید ، مهمانی و تفریحات مورد علاقه توجه کنید. برای اینکه برایتان خوشنودی می آورد . شما باید گاهی برای انجام یک کار خوب با یک زندگی خوب به خودتان پاداش دهید. شما باید ممنون این بخشش باشید و لذت آنرا تجربه کنید.

کلید های لذت بخش زندگی



۱- هدف خود را بشناسید :هیچ چیز نمی تواند برای شما لذت بخش تر ازین باشد که بدانید در این دنیا چه می خواهید. ندانستن برای شما ناراحتی ، شگفتی ، ترس ، و سهل انگاری و کوتاهی در کارها به همراه دارد و با همهٔ اینها هدف بی همتای خود را درین دنیا پیدا کنید ، سپس آنرا به اجرا در آورید و با انجام دادن آن لذت را تجربه کنید.

۲ - هدفمند زندگی کنید :این در ادامهٔ کلید اول است ، اینکه شما هدف خود را بشناسید مرحلهٔ اول است. ولی در مرحله بعدی شما نیازمندید که مطابق هدف خود زندگی کنید. این موضوع در اولویت است نگذارید فعالیت ها و برنامه های شما منعکس کنندۀ اهدافتان باشند . به شرایط محیطی پاسخ ندهید و نگذارید باعث شوند شما بدون هدف زندگی کنید. زندگی کردن بدون هدف

 **ارسالی: کرام الدین سخا**

باعث نا امیدی می شود و هدفمندی در زندگی برای شما خوشنودی و لذتی عمیق به همراه دارد.

۳- خود را بسط و گسترش دهید: در یک وضعیت خود را اسیر نکنید ، چون باعث نارسائی در انجام کارهای شما می شود. همیشه به پیشرفت خود توجه کنید . سعی کنید کارها و فعالیتعای خود را گسترش دهید بسط دادن فعالیتها ، همهٔ محدودیتهایی که خودتان برای خودتان به وجود آورده اید از بین می برد و باعث می شود شما در افقهای فکری بی انتهای خود لذت ببرید.

۴- بیشتر از آنچه بدست می آورید ببخشید: اندوختن برای شما خوشنودی می آورد ، بخشش برای شما لذت می آورد.

به طور قطع به دست آوردن اوتمبیلی که برای آن سخت زحمت کشیدید برای شما حس رضایتمندی و خوشنودی می آورد ، اما لذتی برای شما ندارد . در عوض بخشیدن چیزی به کسی که نیازمند است لذتی عمیق و پایدار خواهد داشت.

۵- خودتان و دیگران را شگفت زده کنید: کلمه ها بسیار جالب و شگفت آورند.گاهی کلمه ها می توانند چنان تغییری در ذهن یا رفتار افراد به وجود آورند که حتی تصور آن نیز غیر ممکن است. این کلمه های مثبت به همراه نیروی شگفت انگیز خود لذت و شادمانی را برای شما به ارمغان می آورند.

۶- گاهی خود را رها کنید: رها کردم باعث میشود که خوشنودی بیشتری به دست آورید. به خرید ، مهمانی و تفریحات مورد علاقه توجه کنید. برای اینکه برایتان خوشنودی می آورد . شما باید گاهی برای انجام یک کار خوب با یک زندگی خوب به خودتان پاداش دهید. شما باید ممنون این بخشش باشید و لذت آنرا تجربه کنید.

چیتَر شدم

یک عمر می شود که ز خود بی خبر شدم

بی خیر و بی سخاوت و منحوس و شر شدم

آلذنگ و بی خیال ، دلوباز وجلتَرنگ

دیوانه و تَرُوشه و بی پا و سر شدم

کج خلق وکجقلند، کج اندیش وکج مرض

جفتک زنان به کوه و دمن ، گاو نر شدم

همکار دزد و مجرم و همدست چاپلوس

مصدق عامیانه ای یوم البتر شدم

در حیرت اند خلق، زدستم که چون ملخ

درکشتزارحق وعدالت حشر شدم

ازدیدن حقیقت واز استماع حق

دیروز کور بودم و امروز کرشدم

ازغیرتم میپرس که هیچ ام نه مانده است

تا آشنای کورزین و فورنر شدم

امن وامان وصلح وصفا نیست کارمن

درشاهراه خدمت میهن خطر شدم

یک قصه از کلام سپید اندرون کنم

زیرا به بزم قافله اش همسفر شدم

از روی شوق اراه ای شاخ حیاستم

بیخ درخت علم و ادب را تبر شدم

اکنون چه انتظار زمن کز همه طرف

نفرین آه مادر و عاق پدر شدم

گرچه هنوز جرات قابل نداشتم

سر رشته ای جنایت نوع بشر شدم

با این کمال و فضل و هنرها که گفتم

عیبم مکن یگانه ی دوران اگر شدم

گویا شدم نشانه ای فریاد نیمه شب

یا هم نشان تیر دعای سحر شدم

هیچ ام مگو زغایتِ پبری که این چنین

کلکات وکله پُوک وگرنگ وکلَرشدم

با این همه "حریق" نداند که تا کنون

در اصطلاح مردم مرغاب چیتَر شدم

گروهی سارق

مرا به جرم راست گفتن، ز شهر بیرون همی رانند

بیا ای دوست با من باش، کدام شان مسلمانند

یکی آن سو گرفت سنگر، یکی اینجا نشست در بر

یکی در بین شده کافر، همه ملت پریشانند

یکی دب جهاد دارد، یکی طبل جهاد کوبد

فغان و ناله را بنگر، کمی شاید که پنهانند

زمان لاف اتوم است، صدایی حق محکوم است

کسی را رهنمایی نیست، همه حاکم و سلطانند

به یک کشور دو تا رهبر،به یک دیک جای شده دوسر

ندارد هیچ کسی باور، همه در شک و گمانند

از این بازی روز افزون، درین بحر شگفت خودن

دلا بگرفته ی مجنون، برایت نوحه می خوانند

همین بود/ به بامیان، کوه ها در غور و بدخشان

هربرود و کوچه شد حیران، از این حالت به گریانند

گروهی سارق و رهزن، شدند مولا در این میهن

بیردند تاریخ معدن، هنوزم در پی ئی جانند

ز استکبار و استبداد، سران رفت جمله پایی دار

نمی ارزد همین بازار، همه دلاکِ میدانند

کوهین در بین این ملت، شده محزون از این حالت

به غم ها کرده است عادت، همه در سوگ دوستانند

نثار احمد کوهین، فیروزکوه، ۲۴ حوت ۹۳



معنی و مفهوم سیاست به

زبان ساده

سیاست به معنای عام، عبارت از هرگونه راهبرد، روش و مشی برای اداره یا بهکرد هر امری از امور، (چه شخصی چه اجتماعی) است. سیاست عبارت از فعالیتی اجتماعی است که ضامن نظم جامعه و تامین روابط نیک شهروندان است. یا دانشی است که از شهر و شهروندی بحث می کند. سیاست مسوول وضع قوانین فائقه جامعه و به پشتوانه قدرت برتری که دارد، اجراء می کند. سیاست مداران توسط وضع قوانین، برای همه ی افراد مشخص می سازند که درقبال خود، خانواده، جامعه و نوع بشر، چه مسوولیت های دارند. سیاست تمام حقوق و وجایت افراد را مشخص و راه های رسیدن به آن ها را مساعد می سازد.

سیاست منافع ملی یک کشور را مشخص و برای حفظ آن ها، راه کاری مفیدی عرضه می نماید. سیاست مداری برای روابط جهانی، تعیین کننده ی روابط بین الدولی می باشد. سیاست برای انکشاف یک کشور میکانیزم های مفیدی اقتصادی را طرح و اجراء می کند. سیاست برای بهبود سطح زندگی شهروندان، فرصت های مناسب تعلیمی را پیشکش و زمینه تحصیل افراد را مهیاء می سازد که چه گونه آن ها را نسبت به کشور، جامعه و همنوع خود متعهد و مسوول به بار آورد. سیاست برای حفظ سلامت جسمانی ساکنان کشور، توجه لازم به محیط زیست و نظافت شهر ها می پردازد.

بالاخره، سیاست به معنی و مفهوم واقعی اش، ضامن بهبودی تمام امور زندگی بشر است و تعیین کننده خط مش های است که جامعه و کشور را به سوی رفاه و بالندگی اجتماعی، سیاسی، تعلیمی، فرهنگی سوق می دهد.

بناء آن های که سیاست را به مفهوم فریب کاری، دسیسه، دروغ، جعل، تغلب، فساد، خیانت و... امور بد تعبیر می کنند، در واقع کنش و عمل سیاست مداران امروزی را به نمایش می گذارند، نه ماهیت سیاست را. آن ها در باره سیاست، طبق کسانیکه عمل بدی یک مسلمان را دیده و آن را به اسلام پیوند می دهند و به جای ملامت نمودن فرد، مکتب او یعنی دین اسلام را زیر سوال می برند - قضاوت می کنند؛ که چنان نیست.

از همین سبب من هم این شعر معروف در باره اسلام را که نجابت آن را نمایش می گذارد، در این مورد چنین جعل می نمایم:

سیاست، به ذات خود ندارد عیبی

هر عیبی که هست، در سیاسیون ماست

دهزاد

هفته نهایی سال ۱۳۹۳، "هفته سبز" نام گزاری گردید!



هفته ی نهایی سال جاری از طرف اداره شهرداری فیروزکوه به نام هفته سبز نام گزاری گردید. در این هفته اداره شهرداری غور یک کمپاین گسترده ی مردمی را جهت سرسبزی شهر فیروز به راه انداخت. این پروسه با هماهنگی مقام ولایت، شهرداری، شورای ولایتی، شورای شهر، ادارات دولتی و شماری از شهروندان فیروزکوه راه اندازی گردیده بود. در این حشر عمومی، شهروندان شهر فیروزکوه، اعضای شورای ولایتی، ادارات دولتی و نهاد های امنیتی و شورای شهر فیروزکوه با حضور گسترده ی خود اقدام به غرس هزار ها اصله نهال نمودند.

این یک اقدام نیک برای سرسبزی شهر و جلوگیری از آلودگی محیط زیست در غور می باشد. از همه شهروندان عزیز شهر فیروزکوه توقع می رود تا در جهت حفظ و مراقبت آن ها سعی و تلاش خود مبذول بدارند تا در آینده ها شاهدی شهر سرسبز و دور از هرنوع آلودگی های محیطی باشیم.

از مشکلات سکویی بسازیم برای صعود!



کشاورزی الاغ پیری داشت که یک روز، اتفاقی به درون یک چاه بدون آب افتاد. کشاورز هر چه سعی کرد نتوانست الاغ را از درون چاه بیرون بیاورد. برای این که حیوان بیچاره زیاد زجر نکشد، کشاورز و مردم روستا تصمیم گرفتند چاه را با خاک پر کنند تا الاغ زودتر بمیرد و مرگ تدریجی او باعث عذابش نشود.

مردم در فاصله ای دور ایستادند و با سطل روی سر الاغ خاک میریختند اما الاغ هر بار خاک های روی بدنش را می تکاند و زیر پایش میریخت و وقتی خاک زیر پایش بالا می آمد، سعی می کرد روی خاک ها بایستد. روستایی ها همین طور به زنده به گور کردن الاغ بیچاره ادامه دادند و الاغ هم همین طور به بالا آمدن ادامه داد تا این که به لبه چاه رسید و در حیرت کشاورز و روستائیان از چاه بیرون آمد.

نتیجه اخلاقی: مشکلات، مانند تلی از خاک بر سر ما می ریزند و ما همواره دو انتخاب داریم:

اول: این که اجازه بدهیم مشکلات ما را زنده به گور کنند.

دوم: این که از مشکلات سکویی بسازیم برای صعود.

ارسالی: شمس الله «شادان»

روش های ساده برای بالا بردن اعتماد به نفس

پس از آن می توانیم با کمک مشاوران زنده مشکل مورد نظر را نشانه گرفته و از میان برداریم.

توجه به الگوهای فکری: وقتی یک الگوی فکری منفی مدت زیادی در ذهن ما جا خوش کرده باشد، چنان خود را عضوی مدت وجودمان می کند که ناخودآگاه اوضاع را بدتر می کند. باید این الگوی فکری مخرب را شناسایی کرد و جلوی فعالیتش را گرفت. برای رهایی از افکار منفی، دو روش مفید زیر را می توان به کار برد:

۱- **شخصی نکردن موضوعات:** برای این که بتوانیم منفی فکر نکنیم، باید یاد بگیریم که هر موضوعی را شخصی نکنیم. مثلا اگر دوستی به تلفن مان پاسخ نداد، فوراً به این نتیجه نرسیم که او به ما اهمیتی نمی دهد، بلکه ممکن است سرش شلوغ بوده و فرصت نداشته است. با این روش اعمال و رفتار دیگران روی ما تاثیر منفی نمی گذارد و اعتماد به نفس مان را کم رنگ نمی کند.

۲- **ترس از پذیرفته نشدن:** برای این که دچار ترس و وحشت از پذیرفته نشدن در جمعی نشویم، بهتر است برای شرایط متفاوت چندین گزینه خوب داشته باشیم تا اگر در موقعیتی ما را به حساب نیاوردند با خود بگوییم موقعیت های دیگری داریم که می توانیم از آنها بهره ببریم. مثلا دایره دوستان مان در آن حد باشد که اگر دوستی دیگر معاشرت ما را نخواست، بسیار تنها نشویم.

حفیظه "فایز"



اعتماد به نفس داشتن نوعی احترام به خود و ارزشمند دانستن وجود خود است و برای هرکس که می خواهد زندگی شایسته ای داشته باشد الزامی است. پایین بودن اعتماد به نفس در نتیجه عادت های فکری غلط ما به

وجود می آید. برای این که این ویژگی را در خود تقویت کنیم چند راه ساده زیر بسیار موثر واقع خواهند شد.

باور غلط: بیشتر ما انسان ها معمولاً میان طیفی از داشتن و نداشتن اعتماد به نفس قرار داریم و نمی توان به طور مطلق گفت که عاری از اعتماد به نفس هستیم. در حقیقت اگر مدام این جمله را در ذهن تکرار کنیم، این حس را در وجودمان نهادینه می کنیم که نمی توانیم برای بهبود وضع خود اقدام مثتی انجام دهیم و بیش از پیش اعتماد به نفس خود را از دست داده و خود را در معرض شکست های متفاوت قرار می دهیم.

غلبه بر اعتماد به نفس پایین: برای این که بتوانیم مشکل پایین بودن اعتماد به نفس را از بین ببریم باید جنبه های مختلف زندگی مان را بررسی کرده تا متوجه شویم در کدام یک از آنها اعتماد به نفس خوبی نداریم. با یافتن مشکل اساسی در زندگی ما که موجب اعتماد به نفس پایین میشود، تقریباً نصف راه را میرویم.

آیا زن همیشه دنباله رو و تحت نظارت مرد است؟

اسلام در ناحیه اقتصادی، استقلال کامل را به زن بخشیده است پس او در تصرف آنچه دارد از طریق خرید، فروش، بخشش و غیره آزادی مطلق دارد. بدون اینکه از مرد اجازه بگیرد مادامیکه اهلیت تصرف داشته باشد. برای شوهرش یا هر مردی دیگر از خویشانش جایز نیست که در چیزی از مال او بدون اجازه و رضایت او تصرف نمایند. برای مرد جایز نیست حتی اگر پدر باشد، دخترش را به ازدواج مردی در آورد که دوستش نداشته باشد. پس باید ازدواج به رضایت و موافقت زن صورت گیرد.

دختر جوانی پیش پیامبر خدا آمد و شکایت کرد از اینکه پدرش او را به ازدواج برادر زاده اش در آورده است. حال آنکه او برادرزاده ی پدرش را دوست ندارد. پیامبر (ص) پدر را احضار کرد و به دختر آزادی انتخاب داد که یا ازدواج را بپذیرد و یا رد کند پس با اراده کامل خود ازدواج را پذیرفت و گفت: ای رسول خدا! من به این کار پدرم راضی بودم ولی می خواستم به زنان اعلام کنم که پدران شرعاً حق ندارند که دخترانشان را مجبور به ازدواج کنند.

زن شریک مرد در خانواده و در تربیت کودکان است و بدون مشارکت مثبت طرفین، زندگی خانواده تداوم نمی یابد در غیر این صورت تعادل خانواده بهم می خورد و اثرات منفی آن بر کودکان منعکس می شود. و پیامبر (صلی الله علیه وسلم) این مسئولیت مشترک را بر عهده هر یک از زن و مرد گذاشته است. آنجا که میفرماید: «کلکم راعٍ و کلکم مسئولٌ عن رعیتِه فالإمام راعٍ و هو مسئولٌ عن رعیتِه و الرجل راعٍ فی اهله و هو مسئولٌ عن رعیتِه و المرأة راعیة فی بیت زوجها و هی مسئولةٌ عن رعیتِها».

در اینجا نسبت دادن مسوولیت به زن، تهمت تبعیت دائمی زن از مرد را منتفی میکند چون هیچ مسوولیتی بدون آزادی معنی ندارد و آزادی نیز با تبعیت و دنباله روی سازگار نیست.

برای مرد جایز نیست که زن را از حقوق مشروع خود در زندگی و رفت و آمد به مسجد جهت عبادت، منع کند. در این باره از پیامبر روایت شده است: «لا تمنعوا إماءَ الله أن یصلین فی المسجد».

زنان را از نماز خواندن در مسجد منع نکنید. اگر برخی مسلمانان بنابر استناد بر تقلید پوسیده و عرف و عادات باطل به این خط مشی اسلامی در خصوص زن پایبند نیستند، دلیل بر جهل آنان نسبت به اسلام و احکام آن و یا سوء فهم آنان نسبت به تعالیم اسلام است.

منبع: سایت خانواده خوشبخت